

عضوگیری در دستور کلام:

راهکاری برای مصالحة دستور جمله و دستور معترضه

سلیمان قادری^۱

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان

محمد عموزاده^۲

دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۶

چکیده:

دستور کلام نظریه‌ای است که پردازش کلام را به دو حوزه مستقل ولی مرتبط به هم واگذار می‌کند: نخست حوزه دستور جمله که عهده‌دار ابعاد صورت و معنی جمله و چینش اجزای آن است، دوم حوزه دستور معترضه که مسئولیت سازمان‌دهی کلام در سطحی فراتر از جمله را به عهده دارد و بیشتر به ارتباط بین مطالب زبانی با موقعیت فرازبانی کلام می‌پردازد. عضوگیری یک فرایند شناختی است که به‌واسطه آن یک تکه از متن مانند یک بند، گروه، واژه یا واحدی دیگر، مثلاً یک قطعه متنی که صورت هیچ سازه نحوی دیگری را ندارد، از حوزه دستور جمله وارد حوزه دستور معترضه می‌شود تا به رمزگذاری مؤلفه‌هایی از موقعیت کلام بپردازد که واحدهای حوزه دستور جمله برای آنها ناکافی و یا نامناسب می‌نمایند، مؤلفه‌هایی چون سازمان‌دهی متن، تعامل سخنگو با مخاطب و نیز بیان نظرات سخنگو. نوشته حاضر پس از ضبط داده‌های گفتاری روزمره فارسی در یک دوره پنج ماهه که مشتمل بر ۵ هزار جمله زبان فارسی می‌شد، ضمن بررسی بعضی از جنبه‌های ناروشن پدیده عضوگیری، عناصر حاصل از عضوگیری را تحت عنوان گزیده‌ها مشتمل بر انواع آنی، ساخت‌مند و قالبی توصیف و تحلیل کرده است. علاوه بر آن، این تحقیق نشان می‌دهد پایه‌گیری عناصر مذکور به چهار گونه در گفته (پاره‌گفت) میزبان خود و یا بافت شکل می‌گیرد. در ضمن چنین استدلال شد که با معرفی انگیزه‌هایی چون پردازش ذهنی و رقیب شامل اقتصاد و تصویرگونگی، در کنار دیگر عوامل شکل‌گیری فرایند عضوگیری، می‌توان تصویر روشن‌تری از این سازوکار ارائه کرد. درواقع، پژوهش حاضر انگیزه‌های رخداد فرایند عضوگیری و ساخت‌های حاصل از آن را تا حد قابل توجهی نمایان می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: دستور کلام، دستور جمله، دستور معترضه، گزیده، عضوگیری.

1. soleimanghadery@yahoo.com

2. amouzadeh@fhn.ui.ac.ir

۱- مقدمه

فارسی از جملهٔ زبان‌هایی است که در قیاس با زبان‌های دیگر، همچون انگلیسی و آلمانی، چندان در چارچوب جدید «دستور کلام»^۱ مورد مطالعه قرار نگرفته است، البته آثاری چند توسط آموزه و همکاران (عموزاده و آموزه، ۱۳۹۳؛ آموزه و دیگران ۱۳۹۶؛ آموزه و عموزاده ۱۳۹۶) انجام گرفته است که هنوز برای درک و روشنگری ابعاد مختلف چارچوب مذکور اندک و ناکافی‌اند. مهم‌تر اینکه مطالعهٔ حاضر به جنبه‌هایی از پدیدهٔ عضوگیری^۲ در زبان فارسی می‌پردازد که در مطالعات فوق مورد واکاوی قرار نگرفته‌اند. بررسی عناصر معترضه^۳ در زبان فارسی که تاکنون در دستورهایی چون دستور زایشی حاشیه‌ای محسوب می‌شدند، در زبان‌شناسی امروز اهمیتی دوچندان یافته‌اند و می‌تواند موجب روشنگری‌هایی در زمینهٔ ویژگی‌های این پدیده در زبان فارسی و چارچوبی برای مطالعهٔ عمیق‌تر و روش‌مندتر عناصر معترضهٔ فارسی باشد. همچنین تطبیق پیامدهای تحقیق حاضر با تحقیقات گذشته و آتی در زبان‌های دیگر می‌تواند مسیر تعمیم‌دهی و نظریه‌پردازی پیرامون دستور معترضه^۴ و خصوصاً نحوهٔ تعامل دستور جمله^۵ و دستور معترضه را هموارتر سازد. از این رو، مطالعهٔ حاضر قصد دارد ضمن بررسی اجمالی ابعاد مختلف عناصر معترضه و پدیدهٔ عضوگیری در زبان فارسی به دو سؤال زیر پاسخ دهد. اول اینکه، چه ویژگی‌هایی برای عناصر گزیده^۶ - و در کل عناصر معترضه - از منظر ساخت، کاربردها و پیوند این عناصر با میزبان خود در زبان فارسی می‌توان متصور شد؟ دوم آنکه هزینه‌ها و انگیزه‌های بهره‌گیری از فرایند عضوگیری در خلق معترضه‌ها کدام است؟ این دو سؤال براساس این پیش‌فرض‌ها پایه‌ریزی شده است که سازوکارهای مطرح‌شده در دستور کلام برای تحلیل نمونه‌های زبان فارسی احتمالاً کارایی لازم را دارد و همچنین این فرض که چون عضوگیری یک فرایند شناختی و کاربردشناختی است، انگیزه‌های شناختی و کاربردشناختی باید بتوانند رخداد این فرایند را تا حد زیادی روشن سازند.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مباحثی چون مشخصات سرنمونی^۷ عناصر معترضه، نحوهٔ ساخت، میزان مشارکت آنها در محتوای اطلاعاتی گفته (پاره‌گفت)^۸، نقش این عناصر و نحوهٔ پیوند آنها به گفتهٔ میزبان مورد توجه محققان حوزهٔ تحلیل کلام بوده است. در مطالعات پیشین خارجی، اجزای مندرج^۹ در جملات با نام‌هایی چون سازه‌های گسسته^{۱۰} (اسپینال^{۱۱}، ۱۹۹۱)، سازه‌های فرابندی^{۱۲} (دیک^{۱۳}، ۱۹۹۷) و یا به نامی نزدیک به عناصر معترضه^{۱۴} (دهه^{۱۵} و کاوالوا^{۱۶}، ۲۰۰۷) نامیده می‌شدند و به این عناصر، نقشی حاشیه‌ای و الحاقی داده می‌شد. به نظر می‌رسد این روند تا زمان معرفی دستور کلام توسط کالتنبوک^{۱۷} و همکاران (۲۰۱۱) و هاینه^{۱۸} و همکاران (۲۰۱۳) ادامه یافته باشد.

دستور کلام دستوری اساساً نقش‌گرا و یک چارچوب دستوری برای تحلیل کلام است که از طرفی مبتنی بر تحلیل تمام امکانات زبانی در دسترس، چون زبان نوشتار، گفتار و یا نشانه‌ها است و از طرف دیگر، بر پایهٔ مطالعاتی نظیر مطالعهٔ سیمون دیک (۱۹۹۷) بر سازه‌های فرابندی - در چارچوب نظریهٔ دستور نقش‌گرا^{۱۹} - استوار است. براساس نظریهٔ دستور کلام، ساختار زبان از دو حوزهٔ دستور جمله و دستور معترضه شکل می‌گیرد که یکی به ساختاربخشی جملات و دیگری به سازمان‌دهی

1. Discourse Grammar
2. Cooptation
3. thetical element
4. Thetical Grammar
5. Sentence Grammar
6. coopted unit
7. Prototypical
8. Utterance
9. interpolated element
10. disjunct constituent

11. M. Espinal
12. extra-clausal constituent
13. C. S. Dik
14. parenthetical
15. N. Dehé
16. Y. Kavalova
17. G. Kaltenböck
18. B. Heine
19. Functional grammar

کلام^۱ فراتر از جمله می‌نگرد. حوزه دستور جمله تقریباً حاوی همان مطالبی است که نقطه عطف توجه سنت‌های زبان‌شناسی چون زبان‌شناسی زایشی بوده است. این دستور برپایه مقوله‌های کلام یا انواع سازه‌ها چون جمله، بند، گروه، کلمه و تکواژها به‌اضافه عناصر پیوندی این سازه‌ها به یکدیگر استوار است. در دستور جمله به مفاهیم گزاره‌ای توجه ویژه‌ای می‌شود و فعل هسته بند است، به طوری که با ساخت موضوعی خود بندی را ساخته است که توسط افزوده‌ها می‌تواند بسط یابد. حوزه دستور معترضه حاوی عناصر معترضه مانند معترضه‌های مفهومی (مانند اولاً)، امری‌ها (مانند بنشین!)، ندایی‌ها (مانند علی!)، قالب‌های تعامل اجتماعی (مانند سلام!) و اصوات (مانند ای) است. این عناصر که در دستورهای پیشین نقشی حاشیه‌ای داشتند در این رویکرد اهمیت بایسته خود را به‌عنوان حوزه مجزایی تحت نام دستور معترضه بازمی‌یابند. برخلاف تصور قبل این اجزا لزوماً نیازی به درج درون بندهای دیگر را ندارند و می‌توانند در حاشیه جمله (در الف) و یا حتی به‌طور مستقل و بدون میزبان (در ب) ظاهر شوند.

(۱) الف. چند وقتی ندیدمت. کجایی؟ بیا ببینم!

ب. سلام!

گزیده‌ها عناصر معترضه حاصل از فرایند عضوگیری هستند، لذا می‌توانند از یک یا چند ویژگی سرنمونی زیر برخوردار باشند (کالتن‌بوک و همکاران، ۲۰۱۱):

الف. این عناصر از نظر نحوی از بافت زبانی میزبان خود مستقل‌اند.

ب. نقش تحدید معنایی ندارند.

ج. از نظر جای‌گیری عمدتاً در گفته آزادانه عمل می‌کنند.

د. این عناصر از نظر مشخصات آوایی از بقیه گفته متمایزند.

ه. ساخت این واحدها براساس اصول دستور جمله است اما می‌تواند شکل محذوف^۲ به خود بگیرد.

استقلال نحوی عناصر گزیده یعنی این عناصر موضوعی از محمول گفته میزبان و یا بخشی از سازه‌های آن نیستند.

مشخصه محدودکننده نبودن معنی بدان معنی است که معترضه‌ها، اغلب معنایی مستقل دارند و تحدیدگر بخشی از معنی

محمول جمله یا سازه‌های آن نیستند بلکه به‌طریقی به مؤلفه‌های موقعیت کلام^۳ مربوط می‌شوند (نک. ۲-۳-۴).

آزادی نسبی گزیده‌ها در جای‌گیری، نتیجه نحو مستقل آنهاست. البته این جای‌گیری خود تابع محدودیت‌هایی است (نک.

۲-۴).

استقلال آوایی گزیده‌ها یا دیگر معترضه‌ها نیز بازتاب نحو مستقل آنهاست که به اشکال متفاوتی چون تغییر فرکانس،

آهنگ و ضرب، و بلندی صدا در گفتار نشان داده می‌شود (دیکسون^۴، ۲۰۰۵: ۲۳۳). در نوشتار این استقلال خود را با ویرگول،

نقطه، خط تیره و پرانتز و علامت تعجب نشان می‌دهد. با وجود این، برخی مطالعات، استقلال آوایی را مشخصه لازم برای

معترضه بودن نمی‌دانند (نک. بولینجر^۵، ۱۹۸۹: ۱۸۶؛ کالتن‌بوک، ۲۰۰۷).

مشخصه دیگر، در مورد ساختار معترضه‌هاست که اغلب براساس قواعد نحوی دستور جمله‌اند، اما می‌توانند به‌نوعی صورتی

محذوف به‌خود بگیرند که در تعارض با ملزومات دستور جمله باشد. البته، این حذف به‌طریقی است که اجزای محذوف تحت

بافت زبانی میزبان و یا بافت غیرزبانی کلام قابل احیا باشند. در (۲) ساخت گزیده اول مطابق دستور جمله نیست و شکلی

1. text organization
2. elliptic
3. situation of discourse
4. R. M. W. Dixon
5. D. Bolinger

محذوف از بند موصولی محدودکننده^۱ "که بیشتر آنها یک مشت اراذل بودند" است.

(۲) یک مشت از این محصل‌نماها .. بیشتر یک مشت اراذل .. صبح آمده بودن، به‌قول خودشون، برای احقاق حقوقشان.

مسئله دیگر قابل بحث در اینجا ماهیت عضوگیری و مطالعات مربوط به آن است. «عضوگیری یک فرایند شناختی است که به‌واسطه آن یک قطعه از متن مانند یک بند، گروه، واژه یا واحدی دیگر مثلاً یک قطعه متنی^۲ که صورت هیچ سازه نحوی دیگری را ندارد از یک حوزه سازمان‌دهنده کلام وارد حوزه دیگر آن می‌شود» (نک. کالتن‌بوک و همکاران، ۲۰۱۱: ۸۷۴-۸۷۵؛ هاینه، ۲۰۱۳: ۱۲۲۱؛ هاینه و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۰۵-۲۰۴). بنابراین، عضوگیری یکی از راه‌های افزایش عناصر معترضه است که از طریق آن اجزای مختلف متنی از حوزه دستور جمله‌گزیده و به حوزه دستور معترضه وارد می‌شوند و در ادامه، آن گزیده معمولاً در یک میزبان جا یا پایه^۳ می‌گیرد. به مثال زیر بنگرید که در آن قید خلاصه در (۳) به‌عنوان عنصر دستور جمله و در (۴) به‌عنوان عنصر گزیده در دستور معترضه به‌کار رفته است:

(۳) آنها خلاصه در مورد موضوع صحبت کردند.

(۴) خلاصه .. آنها شکایت داشتند.

البته باید خاطر نشان کرد که این گونه نیست که همه عناصر معترضه اعضای گزیده از حوزه دستور جمله به‌شمار روند، مثلاً برخی معترضه‌های پرکننده‌های مکث مانند / و اصواتی چون ها، آخ و وای عضو متناظر خود را در حوزه دستور جمله ندارند. برخی مطالعات حاکی از شواهد عصب‌شناختی مبنی بر وجود ارتباط بین تخصیص‌یافتگی مغز^۴ و عضوگیری هستند. آنها نیمکره راست را مسئول پردازش اطلاعات در سطوح بالا یعنی پیوند اجزای متن به‌صورت یک کل منسجم می‌دانند (نک. شرات^۵ و برایان^۶، ۲۰۱۲: ۲۱۶-۲۱۵). یا نقش این نیمکره را در برقراری رابطه اجتماعی و توجه به نیازهای مخاطب (نک. برمن^۷ و همکاران، ۲۰۰۳) و نیز بیان عواطف و نظرات سخنگو ناگزیر می‌دانند (نک. دوینسکی^۸، ۲۰۰۰). براساس این مطالعات، سه نقش عمده عناصر معترضه یعنی سازمان‌دهی کلام، تعامل سخنگو-مخاطب و بیان نظر سخنگو را غالباً می‌توان در رابطه با نیمکره راست دانست.

درباره شباهت و تفاوت میان عضوگیری و دستوری‌شدگی^۹ برخی ادعا کرده‌اند که اگرچه در هر دو این فرایندها واحدهای زبانی موجود برای رمزگذاری نقش‌ها و ساختارهای کلامی جدیدی توسعه می‌یابند، اما با این حال تنها گاهی اوقات یک واحد گزیده حاصل از عضوگیری تحت دستوری‌شدگی واقع می‌شود که ظهور نقش‌نماهای کلامی از مصادیق آن مواقع است (نک. میتون^{۱۰}، ۲۰۰۸: ۱۰۸؛ کالتن‌بوک و همکاران، ۲۰۱۱؛ هاینه، ۲۰۱۳: ۱۲۳۸-۱۲۲۳).

هاینه و همکاران (۲۰۱۷) برای عضوگیری تنها حرکتی یک‌طرفه از دستور جمله به معترضه متصور می‌شوند و ادعا می‌کنند که شاید برخی معترضه‌ها (به‌خصوص انواع ساخت‌مند^{۱۱} و قالبی^{۱۲}) با ازدست‌دادن استقلال معنایی، آوایی و نحوی‌شان واحدی از دستور جمله بشوند و این حرکت سازه از دستور معترضه به دستور جمله را موردی از دستوری‌شدگی، نه عضوگیری، باید به‌حساب آورد. در تأیید آن عموزاده و نورا (۱۳۹۳) با اشاره به دستوری‌شدگی عبارت یعنی ادعا می‌کنند عبارت یعنی از دستور جمله طی عضوگیری وارد دستور معترضه شده و سپس تحت فرایند دستوری‌شدگی به یک نقش‌نمای کلامی تبدیل شده است و در ادامه سیر تحول زبانی خود دچار دستوری‌شدگی مجدد و وارد دستور جمله شده است.

محققان داخلی عناصر معترضه را اغلب شبه‌جمله نامیده‌اند (شریعت، ۱۳۶۶: ۳۳۱؛ انوری و گیوی، ۱۳۷۸)، یعنی

1. restrictive relative clause
2. Chunk
3. Anchor
4. lateralization
5. S. Sherratt
6. K. Bryan

7. S. M. Berman
8. O. Devinsky
9. grammaticalization
10. M. Mithun
11. constructional
12. formulaic

کلمه‌ای که دارای معنی جمله است و می‌تواند ساده باشد و یا اینکه با گرفتن سازه‌ای پیچیده شود؛ مانند افسوس و یا افسوس از این مردم انسان‌نما. شریعت (همان) بعضی از معترضه‌های مفهومی (آری، بله)؛ اصوات (خوشا، افسوس)، ندایی‌ها (ای پسر، خدا/یا)، قالبی‌های تعامل اجتماعی (سلام، جاوید)، امری‌ها (زود، ساکت) و نفی (حاشا) را زیرمجموعه‌ی شبه‌جمله آورده است. شایان ذکر است مطالعات اخیر آرموده و همکاران (آرموده و دیگران، ۱۳۹۶؛ آرموده و عموزاده، ۱۳۹۶؛ و عموزاده و آرموده، ۱۳۹۳) پیرامون جنبه‌هایی از دستور معترضه براساس رویکرد دستور کلام، هرچند قابل اعتناست، اما از آنجا که بیشتر به مطالعه‌ی بند موصولی محدود می‌شود، در تبیین ابعاد مختلف دستور معترضه خصوصاً بررسی سازوکار عضوگیری اساساً ناکافی است و ضرورت انجام تحقیقات بیشتر در این حوزه را برای جبران خلأهای موجود برجسته می‌سازد. جستار حاضر گامی آغازین در توصیف و تحلیل انواع عناصر گفتمانی در شناسایی عملکرد پدیده‌ی عضوگیری در زبان فارسی تلقی می‌شود و مهم‌تر اینکه انگیزش‌های شناختی مانند ذهنیت^۱ و تصویرگونگی^۲ در تشریح مکانیزم عضوگیری در این مطالعه کاویده می‌شود. این امر ماهیت کار را از تحقیقات پیشین متمایز می‌سازد. همچنین داده‌های زبان فارسی از نظر ویژگی‌های ساختاری و پایه‌گیری^۳ (یا جایابی) گزیده‌ها تحت این چارچوب بررسی می‌شود.

۳- روش مطالعه و نوع داده‌ها

پژوهش حاضر رویکردی توصیفی و تحلیلی اتخاذ کرده است. داده‌ها اغلب از شنیده‌های محققان در طول یک دوره‌ی پنج ماهه‌ی تحقیق، بیشتر از میان گفتار تعاملی معلمان، استادان و دانشجویان با یکدیگر ضبط و جمع‌آوری شده است. داده‌ها مشتمل بر حدود پنج هزار جمله می‌شد که پس از گوش‌دادن به آنها، نمونه‌های عینی -یعنی کاربردهای حاوی عناصر معترضه- برای تحقیق انتخاب شدند و برای اطمینان از معمول‌بودن آنها، توسط شش زبانی چندین زبانور دیگر محک خوردند. سپس، این نمونه‌ها بر اساس سازوکارهای دستور کلام و کاربردشناختی کلام در راستای پاسخ به سؤالات تحقیق تحلیل شدند و حدود ۵۰ عبارت از میان داده‌های تحلیل‌شده که معرف نسبی آن جامعه بودند برای درج در تحقیق انتخاب شدند. در نگارش این عبارات، عناصر دستور جمله به‌صورت عادی و عناصر دستور معترضه کج نوشته شده‌اند. همچنین در برخی مثال‌ها زیر واحدهایی که نقش پایه دارند خط کشیده شده است. برای نشان‌دادن مکث کوتاه از دو نقطه (..) و برای مکث طولانی از سه نقطه (...) بهره برده‌ایم.

۴- تحلیل و بحث

پس از بیان چارچوب نظری و روش کار اینک به هسته‌ی اصلی این پژوهش، همان بررسی نظام عضوگیری به‌عنوان پیونددهنده‌ی دو حوزه‌ی دستور به‌نام‌های دستور جمله و دستور معترضه، می‌پردازیم. برای نیل به این هدف، ابتدا ویژگی‌های ساختاری و پایه‌گیری (یا جایابی) گزیده‌ها در زبان فارسی توصیف و دسته‌بندی خواهد شد و سپس هزینه‌ها و انگیزه‌های اقدام به فرایند عضوگیری واکاوی می‌شود.

۴-۱- گزیده‌ها از منظر ساخت

محدودیت حاکم بر تلقی یک ساخت خاص به یک گزیده، بر امکان ایجاد ارتباط ذهنی بین آن ساخت و گفته‌ی میزبان و یا بافت آن استوار است. در مثال‌های زیر گزیده‌ها صورت یک سازه‌ی عادی دستور جمله را ندارند، اما ارتباط مفهومی آنها با بافت زبانی

1. subjectivity
2. iconocity
3. anchoring

یا فرازبانی برقرار است. این ارتباط در (۵) به شکل توصیف یک سازه مرتبط با آن یعنی پایه‌اش در گفته برقرار است؛ درحالی‌که در (۶) ارتباط ذهنی واحدهای دستور جمله و معترضه در ارجاعشان به یک بافت کلامی مشترک یعنی شرایط کلاس درس روی می‌دهد؛ اما در (۷) این ارتباط بین گزیده با گفته و یا بافت دیده نمی‌شود و لذا اصل ارتباط نقض می‌شود - قابل یادآوری است که در برخی مثال‌ها، زیر سازه‌های با نقش پایه خط کشیده شده است.

(۵) همین آقای مهدیه .. مدیر خوب ما به قول شما .. نتوانست آشوب پارسال مدرسه را مدیریت کند.

(۶) دانشجویان عزیز .. صد! که می‌رسه .. باید تا هفته دیگه این مطلب رو آماده کرده باشید.

(۷) همین آقای مهدیه .. نتوانست آشوب پارسال .. مدیر خوب ما به قول شما .. مدرسه را مدیریت کند.

در مورد نوع جمله، گزیده می‌تواند جمله خبری (در ۸)، سؤالی (در ۹) و یا امری (در ۱۰) باشد.

(۸) طرحی که آقای مهدیه مد نظر دارد، و امیدواریم که با موافقت شما دبیران عزیز روبرو شود و سریعاً اقدام شود ..

برگزاری یک دوره امتحان آمادگی قبل از امتحانات دی‌ماه است.

(۹) پس تصمیم به این شد که چند روزی رو دوباره باهم باشید .. مخالفتی که ندارید؟... تا ببینیم چه پیش می‌آید.

(۱۰) بله .. این داستان رو .. بخواید یا نخواهید .. باید هرچه زودتر تمومش کنید.

مثال‌های فوق نشان می‌دهد که گزیده می‌تواند اشکال متنوعی از واحدهای دستور جمله شامل کلمه (مانند نمونه ۴ و ابتدای ۱۰) یا سازه‌های بزرگتر (مانند ۵-۱۰) را به خود بگیرد. لذا، پیچیدگی گزیده می‌تواند کم یا زیاد باشد، به طوری‌که خود از جملات پیرو (بند درونه‌ای) و یا بندهای متعددی (مانند ۸ و ۱۰) برخوردار باشد. همچنین گزیده می‌تواند از یک یا چند عنصر معترضه تشکیل شده باشد. مثلاً در (۵) گزیده از یک معترضه بدل و یک معترضه بند نقل قولی تشکیل شده است.

بنا به یک تقسیم‌بندی، واحدهای معترضه و یا گزیده‌ها را می‌توان از منظر ساخت به سه مقوله عمده تقسیم کرد: آنی^۱، ساخت‌مند و قالبی (نک. کالنتبوک و همکاران، ۲۰۱۱؛ هاینه و همکاران، ۲۰۱۷). در ذیل تبیین این گونه‌ها با مثال‌هایی از زبان فارسی آورده می‌شود.

در مورد گزیده‌های آنی باید گفت که تولید این عناصر معترضه، فی‌البداهه است و در هر زمان و مکانی قابلیت ایجاد دارند و از نظر معنایی کاملاً ترکیب‌پذیرند. این گزیده‌ها اغلب تکرارپذیر نیستند و لذا از نظر نحو و ساخت‌واژه تنوع زیادی دارند. (۱۱) باید از اینجا .. نقطه‌ای که ابتدا مشخص کرده‌ایم .. تا آن زاویه یک خط بکشیم.

در صورتی‌که گزیده‌های ساخت‌مند الگوهایی تکرارپذیر هستند که هریک دارای یک شکل طرح‌واره‌ای^۲ خاص با میزانی مشخص از تخصیص‌یافتگی^۳ و نیز کاربردی خاص هستند. دسته‌هایی از این گزیده‌ها بندهای نقل قول، بندهای حاوی نظر^۴، بدل‌ها، سؤالات ضمیمه‌ای و بندهای متصل با کلمه ربط واو (مثال ۸) هستند. برای مثال، ساخت طرح‌واره‌ای بندهای نقل قول عموماً متشکل از ساخت فاعل+فعل نقل قول است.

(۱۲) امتحان‌ها رُ .. مدیر می‌گفت .. باید توی خود مدرسه تصحیح کنیم.

گزیده‌های قالبی از نظر صرف و نحو صورت کوتاه، کمابیش ثابت و غیرقابل تجزیه‌اند، و اغلب معنی غیرترکیب‌پذیر دارند. نقش‌نامه‌های کلامی چون: به‌هرحال، یعنی، درحقیقت و دیگه چی از این دسته‌اند. از دیگر عناصر این دسته، مواردی چون خواهش می‌کنم، قابل نداره و سفربخیر هستند که قالب‌هایی برای تعارفات اجتماعی هستند. همچنین معترضه‌های مفهومی چون اگه بخوای، امری‌ها چون بیا! و ندایی‌ها چون آشپز! از دسته قالبی‌ها به‌شمار می‌روند.

1. instantaneous
2. schematic
3. specificity
4. comment clause

از آنجا که اغلب معترضه‌های آنی، در صورت استفاده مداوم در پهنه زمان، تحت فرایند تغییر ساختی^۱ (نک. هیلپرت^۲، ۲۰۱۳) و ساختی‌شدگی^۳ (نک. تراگوت^۴ و تروسدل^۵، ۲۰۱۳: ۲۵۷) به شکل الگوهای طرح‌واره‌ای متعارف و در ادامه به شکل معترضه‌های ساخت‌مند یا قالبی درمی‌آیند، لذا بررسی این معترضه‌ها در روشن‌سازی ماهیت عضوگیری ضروری‌تر می‌نماید. از این رو اغلب مثال‌های ما در این مطالعه شامل موارد گزیده‌های آنی است.

۴-۲- میزبان و پایه‌گیری گزیده‌ها

برای بررسی چگونگی پیوند یک گزیده به کلام توجه به دو بخش ضروری است: یکی دسترسی به میزبان یعنی یک تکه متن مناسب برای قراردادادن گزیده در آن، و دیگری پایه که معنای تکه متنی است که لنگر ارتباط مفهومی گزیده است و قلمرو گزیده را مشخص می‌کند. لذا می‌شود ادعا کرد که میزبان، یک مقوله صرف-نحوی و پایه، یک مقوله معنایی است. نقش ارتباطی گزیده، حاصل از تعامل بین معنی گزیده با پایه متنی- در صورت وجود- و نیز بافت غیرکلامی است. از طریق پایه‌گیری، یعنی جای‌گیری گزیده در متن یا بافت، سخنگو یک پیوند معنایی-کاربردشناختی بین گزیده با آن متن و یا بافت خاص برقرار می‌سازد. منظور از بافت در اینجا موقعیت کلام است. مثلاً در گفته زیر میزبان خود متن گفته است ولی پایه درون بافت یعنی همان قالب آزمایشگاه قرار گرفته است.

(۱۳) یک مول از این مایع .. بشیر رو لطفاً بدین ... با یک مول اسیدسولفوریک می‌تواند رقیق شود.

در بحث جای‌گیری گزیده‌ها می‌توان به دو نوع گزیده میزبان-بنیاد و دونوع گزیده بافت-بنیاد قائل شد که در کل چهار حالت برای پایه‌گیری گزیده‌ها پیش‌می‌آورند: الف) پایه در سازه، ب) پایه در گفته، ج) پایه در بافت دارای میزبان و د) پایه در بافت بدون میزبان. در ذیل بحث به اختصار به هر یک از این حالات اشاره می‌کنیم.

گزیده‌های پایه در سازه، در مورد مفهوم یکی از سازه‌های گفته میزبان خود- یعنی پایه‌شان- مشارکت معنایی یا کاربردشناختی دارند و لذا به سبب نیاز به مجاورت با آن سازه از نظر مکانی ثابت هستند. بنابه اینکه گزیده‌ها، قبل یا بعد از پایه‌شان بیابند، می‌توان آنها را پیش‌نگر^۶ یا پس‌نگر^۷ نامید که نمونه‌های آن در زیر آمده است.

(۱۴) این مشکلی که پیش اومده .. اگه قابل حل باشه .. باید زودتر حل بشه.

(۱۵) از آنجا که معاون پرورشی اداره .. آقای جلالی، دارن عوض می‌شن بهتره فعلاً کاری نکنیم.

(۱۶) امین، خاک بر سر، هم که همون اشتباه رو کرده بود.

(۱۷) اگرچه .. فکر کنم .. آقای حلی قبلاً این پیشنهاد رو داده بودند ولی جای تشکر داره که یادآوری کردین.

گزیده‌های پایه در سازه از نظر ساخت می‌توانند از نوع آنی (در ۱۴)، ساخت‌مند (در ۱۷ و ۱۵ با نقش بند حاوی نظر و بدل) و یا قالبی (در ۱۶) باشند که اغلب آنها از نوع پس‌نگرند.

سازه پایه در گزیده‌های پایه در سازه می‌تواند از سازه‌های متنوعی چون گروه (مثلاً در ۱۷-۱۵) و یا بند تشکیل شده باشد (در ۱۴). همچنین می‌تواند از نوع مقولات واژگانی چون فعل (در ۱۸)، فعل کمکی (در ۱۹) و یا قید (در ۲۰ واژه تند) باشد.

(۱۸) این ماشین رو یعنی شستی.

(۱۹) شما باید .. تأکید می‌کنم، باید تا هفته دیگه خونه رو خالی کنین.

1. constructional change
2. M. Hilpert
3. constructionalization
4. E. Traugott
5. G. Trousdale
6. prospective
7. retrospective

(۲۰) آقای حمیدی گرچه، به قولی، تند می‌رانند اما .. ظاهراً بهترین گزینه هستند.

در مورد گزیده‌هایی که درون بندهای وابسته و موصولی پایه می‌گیرند، گزیده می‌تواند بین متمم‌نما و بند متمم (۲۰)، و یا ضمیر موصولی و جمله موصولی (۲۱) بیاید. در برخی موارد نیز پایه‌گیری بین حرف تعریف و هسته گروه اسمی واقع می‌شود (۲۲).

(۲۱) ما می‌توانیم درختانی را بکاریم که .. مثل بقیه گیاهان، هم در روحیه بچه‌ها اثر مثبتی داشته باشند ... هم میوه بدهند.

(۲۲) یک، به اصطلاح آقای دیروز اومده بود اینجا.

مورد دوم از گزیده‌ها، گزیده‌های پایه در گفته هستند که در آن گزیده، گزاره اصلی گفته میزبان و یا کل گفته را پایه خود می‌گیرد، یعنی قلمرو آن کل گفته است؛ به عبارتی در این مورد، میزبان با پایه همپوشانی کامل دارد. این گزیده‌ها می‌توانند از انواع آنی (در ۲۳)، ساخت‌مند (مثل بند حاوی نظر در مورد ۲۴) و یا قالبی (مثل نقش‌نمای کلامی در ۲۵) باشند که بیشتر با مؤلفه ذهنیت و بینادذهنیت^۱ در ارتباطند.

(۲۳) من ... البته اگه همه قبول دارند ... می‌تونم یه فرصت دیگه به حسن بدم.

(۲۴) تحریم‌های بانکی نیز .. ما امیدواریم .. با مسئله برجام از پیش رو برداشته شوند.

(۲۵) واقعاً، حسن زهرا رو دوست داره؟

گزیده‌های پایه در گفته چون متعلق به کل گفته‌اند، برای جابجایی آزادانه‌تر از گزیده‌های پایه در سازه عمل می‌کنند و تقریباً می‌توانند در اکثر مکان‌های گفته جای بگیرند. البته این گزیده‌ها مانند گزیده‌های پایه در سازه بین اجزای یک سازه مثلاً درون یک گروه اسمی - بین حرف تعریف و هسته گروه اسمی و یا گروه اسمی مفعول و نشانه آن - و یا درون فعل مرکب اغلب نمی‌توانند قرار گیرند. مثلاً در جمله (۲۶) گزیده به‌خدا قسم اغلب در جاهایی که علامت ✓ گذاشته شده به‌کاررفته است و در جاهایی که علامت ✗ گذاشته شده است به‌کار نمی‌رود.

(۲۶) ✓ اگر ✓ بروی ✓ دیگر ✓ این ✗ قضیه ✗ را ✓ پنهان ✗ نخواهم ✗ کرد.

در نوع سوم، یعنی گزیده‌های پایه در بافت دارای میزبان، گزیده یک گفته را به‌عنوان میزبان خود انتخاب می‌کند، اما در آن گفته پایه‌ای نمی‌یابد؛ لذا، به‌جای پایه‌گیری در شالوده معنایی میزبان زبانی، بافت غیرزبانی را به‌عنوان پایه معنایی خود قرار می‌دهد و در آنجا پایه می‌گیرد. به مثال زیر که در بافت کلاس رخ داده است توجه کنید:

(۲۷) کتاب این دانش‌آموز رو .. فکر کنم از مغازه سروش خریدینش، نه؟! ... ببین این کتاب چه قدر صحافی خوب و محکمی داره.

در اینجا لازم به ذکر است که در دستور کلام، موقعیت کلام بخشی از فضای معنایی است که در آن دستور عمل می‌کند و گزیده‌های پایه در بافت بخشی از همین فضا دارند لذا نمی‌توان آنها را سازه‌هایی منفصل برشمرد؛ بلکه باید گفت که آنها تنها فاقد پایه مفهومی در گفته میزبان (یا هر سازه دیگر زبانی) هستند. مؤلفه‌های موقعیت کلامی که در این نوع گزیده‌ها برجسته می‌شوند اغلب شامل ساحت کلام^۲ و تعامل سخنگو-مخاطب (بینادذهنیت) است.

در گزیده‌های پایه در بافت دارای میزبان، مکان برای پایه‌گیری تقریباً آزاد است، به طوری که می‌توان این گزیده‌ها را حتی بدون نیاز به میزبان و به‌طور مستقل آورد. در این حالت تمایز آنها با واحدهای دستور جمله خنثی می‌شود و می‌توان گاهی آنها را واحدی از دستور جمله به‌حساب آورد. مثلاً در (۲۷) جمله درون‌گذاری شده به‌طور مستقل مانند یک واحد دستور جمله می‌تواند ایفای نقش کند.

در نوع چهارم، یعنی پایه در بافت بدون میزبان، پایه گزیده مانند مورد قبل در بافت یا همان موقعیت کلام گذاشته می‌شود؛ اما در اینجا هیچ میزبانی وجود ندارد تا گزیده را دربرگیرد. از این رو این گزیده‌ها واحدهای مستقلی هستند که معنی‌شان در تعامل با بافت غیرزبانی‌شان مشخص می‌شود. این گزیده‌ها اغلب بیانگر مؤلفه تعامل سخنگو-مخاطب (بینادهنیت) و یا نظر سخنگو (ذهنیت) از بافت موقعیتی هستند.

(۲۸) صبح بخیر!

(۲۹) آشپز!

(۳۰) چه گل فشنگی!

(۳۱) که من پدر بدی‌آم!

اغلب گزیده‌های این بخش ساخت‌مند یا قالبی هستند یعنی به‌طور نسبی یا کامل تخصیص‌یافتگی واژگانی دارند، مثلاً در (۲۸) یک قالبی تعامل اجتماعی و در (۲۹) یک قالبی ندایی تخصیص‌یافته دیده می‌شود. در (۳۰) یک گزیده ساخت‌مند تعجبی با طرح‌واره چه...! و در مثال (۳۱) یک ساخت بند سرخود^۱ که... که تاحدی تخصیص‌یافتگی واژگانی دارند. برخی از این مثال‌ها دال بر این واقعیت‌اند که گزیده‌ها به‌عنوان نوعی از عناصر معترضه، ساختی متفاوت از عناصر دستور جمله دارند. نکته دیگر آنکه در گزیده‌های پایه در بافت بدون میزبان جایابی معنی ندارد چون وجود میزبان برای آنها مطرح نیست.

در پایان این بخش لازم است به دو مطلب اشاره شود که از دید نظریه‌پردازان دستور کلام نیز پنهان نمانده است. اول اینکه تقسیم‌بندی ارائه‌شده فوق دارای مرزبندی شفافی نیست و برخی گزیده‌ها را می‌توان دارای چند نوع پایه‌گیری دانست. مثلاً بندهای حاوی نظر مانند فکرکنم، حدس می‌زنم، می‌دونی را که اغلب پایه در گفته فرض می‌شوند می‌توان گاهی پایه در سازه نیز به حساب آورد. در (۳۲) پایه (یا قلمرو) گزیده حدس می‌زنم (یعنی گمان گوینده) می‌تواند کل گفته و یا سازه مقاله سال دو هزار و سه‌شون باشد. برای تمایز آن حالات، بررسی آوا و بافت زبانی و غیرزبانی حول گفته راه‌گشاست.

(۳۲) الف. توی ... حدس می‌زنم مقاله سال دوهزار و سه‌شون این مطلب را نقض کرده باشند.

ب. توی ... حدس می‌زنم مقاله سال دوهزار و سه‌شون این مطلب را نقض کرده باشند.

نکته دیگر، در مورد آزادی در جایابی و یا به‌عبارتی میزان سیال بودن گزیده‌هاست مبتنی بر اینکه هرچه وابستگی گزیده به متن زبانی بیشتر باشد، گزیده جای ثابت‌تری دارد و هرچه این وابستگی به بافت موقعیتی یا فرازبانی کلام بیشتر شد، آزادی گزیده‌ها در حرکت و جایابی بیشتر خواهد بود.

۳-۴- هزینه‌ها و انگیزه‌های فرایند عضوگیری

وقتی تکه‌ای از متن برای حوزه دستور معترضه گزیده می‌شود و در یک گفته قرار می‌گیرد برای رمزگذاری کلام، رمزبرداری از آن و انتقال اهداف تعاملی پیامدهایی خواهد داشت که هم شامل مزایای انگیزش‌مند شده و هم هزینه‌هایی خواهد بود. در این بخش این موارد را از نظر خواهیم گذراند که عمدتاً برگرفته از نظرات هاینه و همکاران (۲۰۱۷) است.

۳-۴-۱- هزینه‌های فرایند عضوگیری

از جمله هزینه‌های اقدام به عضوگیری برای سخنگو، در ابتدا یافتن یک میزبان، پایه و بافت مناسب است (نک. ۴-۲). دوم اینکه با درونه‌ای شدن یک گزیده، گفته میزبان به دو بخش تقسیم یا شکسته خواهد شد و این باعث می‌شود در انتها با گفته‌ای روبرو شویم که دیگر خوش‌ساختی یک جمله گزاره‌ای بی‌نشان را از نظر معنایی و نحوی نداشته باشد؛ این حالت به‌ویژه

در موردی که واحد گزیده، خود جمله‌ای مرکب هم شامل جمله پایه و هم پیرو باشد چشم‌گیرتر است. به جمله زیر بنگرید:
(۳۳) رنج یک آنفولانزای ناشناخته .. منظوم سوغاتی است که اونا از کربلا آورده بودن .. و یک امید واهی به خوب شدن
توی این بیماران دیده می‌شد.

هزینه دیگر آنکه با درون‌گذاری یک گزیده، مخاطب باید هم‌زمان دو نوع تکه متن متفاوت از نظر نحوی و معنایی را در یک گفته پردازش کند که یکی حاوی اطلاعات ارتباطی مفهومی-گزاره‌ای و یکی حاوی اطلاعات فرارابطی^۱ در آن گفته است. این چالش در گزیده‌های پایه در بافت (مانند ۳۴) بیشتر به چشم می‌خورد.

(۳۴) بچه‌ها اگر از درس امروز جایی رو .. با شما هستیم آقای صالحی که مدام از اول ساعت تا حالا صحبت می‌کنین ... اگر

از درس امروز جایی رو نفهمیدین بیرسین.

اگرچه طبق ادعای هاینه و همکاران (۲۰۱۷)، عامل فوق حاوی بار پردازشی به‌منظور پیوند مفهومی دو بخش جداشده گفته بر حافظه مخاطب است، اما باید گفت که این بار پردازشی گاهی بر ذهن خود سخنگو نیز وارد می‌شود. شاهد این مدعا آن است که گاهی سخنگو با فراموش کردن صحبت اصلی خود با گفتن عباراتی مانند خوب، چی می‌گفتم از شنونده برای یادآوری جریان بحث اول خود کمک می‌طلبد.

سومین هزینه، توسل به راهکاری برای جبران از دست رفتن انسجام متنی است تا به مخاطب امکان تمیز نقاط شروع و اتمام گزیده و از سرگیری واحد دستور جمله را بدهد. کلارک^۲ (۱۹۹۶) یک طرح‌واره انفصال کلام^۳ ارائه داده است که بنا بر آن چهار مرحله در طرح‌واره انفصال کلام از یکدیگر قابل تمیزند:

۱- تحویل اولیه کلام

۲- نقطه تعلیق

۳- فاصله

۴- نقطه از سرگیری

۵- ادامه تحویل کلام

مراحل ۱ و ۵ مکان‌های قرارگیری گفته میزبان یعنی واحدهای دستور جمله‌اند که توسط مرحله ۳ که محل قرارگیری گزیده است از یکدیگر جداشده‌اند. مسأله اصلی در طرح‌واره فوق مشخص‌سازی مراحل ۲ و ۴، یعنی مرزهای شروع و اتمام گزیده، توسط سخنگو و درک آن توسط مخاطب است. در این مواقع استفاده از سرنخ‌های آوایی، نحوی و معنایی در گفتار و علائم نوشتاری چون ویرگول برای نشان دادن مرزهای گزیده تاحدی راه‌گشاست. در برخی زبان‌ها بهره‌گیری از پرکننده‌های مکث، نشانه‌های درنگ و نیز تکرار از راهکارهای این امر به حساب می‌روند (نک. کلارک و همکاران، ۲۰۰۲). در فارسی برای این منظور استفاده از ویرگول‌گذاری، پرانتز و خط تیره در نوشتار دیده می‌شود، و در گفتار، استفاده از مکث، پرکننده‌های درنگ مانند صدای / - که غالباً با کشش همراه است - در قبل و یا بعد از گزیده و یا راهکار تکرار به‌ویژه در گزیده‌های طولانی، و یا آمیزه‌ای از این راهکارها برای متمایز کردن گزیده از واحد دستور جمله رایج است. مصادیقی از این امر در مثال‌های ذیل آمده است. در مثال (۳۵) راهکارهای مکث و تکرار با یکدیگر به کار رفته‌اند.

(۳۵) تنها کاری که از دستم برمی‌آد ... با توجه به این همه بار که همراه شماس ... تنها کار اینه که اتاق بالایی رو بهتون

بدم.

(۳۶) بناپارت !!! امپراطور فرانسه رو می‌گم .. می‌گن خیلی بی‌رحم بوده.

1 metacommunicative information

2. H. Clark

3 disruption

از راهکارهای دیگری که در زبان فارسی برای نشان دادن مرحله ۴ استفاده می‌شود، تکرار بخشی از پایان گزیده است.

(۳۷) برای تیم امید .. مری می‌گفت ... می‌گفت تنها درمان بازی‌های تدارکاتی است.

با توجه به مباحث فوق به نظر می‌رسد اقدام به عضوگیری با تلاشی از جانب مشارکان کلام همراه است. سخنگو باید یک الگوی منسجم را برای کل گفته طراحی کند و در آن با ایجاد سرنخ‌هایی قدرتمند، در مکانی مقتضی برای درج گزیده اقدام کند؛ به طوری که مخاطب قادر به تشخیص گزیده و ارتباطش با پایه و میزبان شود. با وجود هزینه‌های ذکرشده فوق برای فرایند عضوگیری، بسامد بالای استفاده از این راهکار، حاکی از حضور انگیزه‌هایی است که در بخش بعدی به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.

۴-۳-۲- انگیزه‌های فرایند عضوگیری

این بخش از پژوهش به جستجوی انگیزه‌های عضوگیری و خلق گزیده‌ها در بهره‌گیری از فواید آن تخصص یافته است. این انگیزه‌ها به ترتیب تحت عناوین انگیزه پاسخ به نیازهای آنی موقعیت کلام و برجسته‌سازی مؤلفه‌های آن در مقابل انگیزه رقیب برخطماندن، پردازش ذهنی^۱ آسان‌تر و انگیزه‌های رقیب دیگری چون اقتصاد^۲ و تصویرگونگی، و زیباشناسی کلام تبیین می‌شود.

پس از بیان نظریه انگیزه‌های رقیب (هایمن^۳، ۱۹۸۳؛ دوبوا^۴، ۱۹۸۵) نقش این انگیزه‌ها در شکل‌دهی به ساختارهای زبانی و سازمان‌دهی متن همواره مورد توجه زبان‌شناسان بوده است. یکی از مصادیق این انگیزه‌ها نیروهایی است که دستور را به عنوان یک نظام، مجبور به حفظ و ثبات رویه می‌کند. نیروی دیگر پاسخ به نیازهای موقعیت کلام است. برای ارضای هر دو نیرو دستور کلام از دو حوزه کمک می‌گیرد: حوزه دستور جمله و حوزه دستور معترضه. از این منظر، دو حوزه دستور جمله و دستور معترضه در امر سازمان‌دهی کلام مکمل یکدیگرند و هر یک نقش‌های ارتباطی مخصوص به خود را دنبال می‌کنند. دستور جمله مناسب ارائه اطلاعات گزاره‌ای در یک نظام خطی است که بر راهکارهایی چون ساخت بند، گروه، همپایگی، وابستگی و مانند آن تکیه دارد. لذا این دستور مسئول توسعه خطی ایده‌ها و پیشرفت ارتباط با نگاهی به یک هدف ارتباطی بزرگتر مثل نقل یک واقعه، نقل داستان، بحث روی یک مورد و مانند آن است که همه آنها مستلزم نوعی برنامه‌ریزی قبلی است. از طرف دیگر، دستور معترضه اهداف فوری و کوتاه‌مدتی را دنبال می‌کند که همان واکنش فوری به وقایع موقعیت کلام دم‌دست است و لذا «بیشتر مبین اهداف تعاملی است» (مازلاند^۵، ۲۰۰۷: ۱۸۴۳). این عامل خود موجب می‌شود که مکالمات گفتاری، به دلیل زنده بودن، بیش از نوشتار مستلزم بهره‌گیری از عناصر معترضه باشد. آزادی نسبی عناصر دستور معترضه از قید و بند سلسله‌مراتب نحوی کلام باعث سیال بودن نسبی آنها می‌شود و «به دلیل همین سیال بودن و مشخصه‌های دیگر از قبیل استقلال نحوی، معنایی و آوایی است که عناصر معترضه -چون گزیده‌ها- می‌توانند مناسبات تعاملی را بیش از عناصر دستور جمله از خود نشان دهند و لذا ارتباطی نزدیک‌تر از دستور جمله با محیط کاربردشناختی زبان برقرار کنند و همچنین واکنش‌های سریعی به موقعیت کلام داشته باشند» (کالتن‌بوک و هاینه، ۲۰۱۴).

نیاز به عناصر دستور معترضه برای پاسخ به نیازهای آنی موقعیت کلام، سبب کشمکش بین دستور جمله و معترضه می‌شود و به دنبال آن عناصری از دستور جمله به عضویت گروه معترضه درمی‌آیند و درون جمله به کار می‌روند؛ حتی اگر این استفاده به قیمت خروج سخنگو از مسیر محدودیت‌های خطی نظام و حفظ مجاورت سازه‌های مربوط باشد. به جز گزیده‌های

1 processing

2 economy

3. J. Haiman

4. J. W. Du Bois

5. H. Mazeland

آنی (عمدتاً به شکل گزیده‌ها) گزیده‌های پیش‌ساخته (مثل انواع قالبی و تاحدی ساخت‌مند) نیز در این میان نقش دارند. پس «اصلی‌ترین انگیزه فرایند عضوگیری، رمزگذاری نقش‌هایی از کلام [توسط گزیده‌ها] است که واحدهای دستور جمله برای آن نقش‌ها ناکافی و یا نامناسب می‌نمایند» (هاینه و همکاران، ۲۰۱۷).

چون گزیده‌های حاصل از عضوگیری از محدودیت‌های حاکم بر سازه‌های نحوی آزادند و پایه در گفته و یا بافت دارند؛ لذا، معنی آنها با توجه به نقش‌های متنوعشان در بافت زبانی و بافت موقعیتی تعیین می‌شود (نک. بلیک‌مور^۱، ۲۰۰۵؛ اشناپدر^۲، ۲۰۰۷؛ دهه و کاوالوا، ۲۰۰۷). این نقش‌ها در برجسته‌سازی یا انتقال شش مؤلفه سازنده موقعیت کلام تحلیل می‌شوند (نک. کالتن‌بوک و همکاران، ۲۰۱۱: ۸۶۴-۸۶۰):

۱- سازمان‌دهی متن

۲- تعامل سخنگو و مخاطب

۳- بیان نظر سخنگو

۴- بیان منبع اطلاعاتی

۵- دانش درمورد جهان خارج

۶- صحنه‌پردازی یا ساحت کلام

حال اجمالاً به توضیح و تشریح نقش‌های فوق از طریق ارائه نمونه‌ها می‌پردازیم.

مؤلفه اول، یعنی ایفای نقش سازمان‌دهی متن توسط گزیده‌ها با اعمال زیر ممکن می‌شود:

الف. غلبه بر محدودیت‌های اعمال شده از جانب نحو و نظام خطی در ساختاربخشی به متن

ب. بسته‌بندی قطعات بزرگتر متنی و خلق تعبیر منسجمی از آن

ج. ایجاد یک منظر بزرگتر برای گفته

د. فراهم‌سازی اطلاعات اضافی که برای درک متن روشن‌تر باشد. این اطلاعات برای پیوند قطعات متنی به یکدیگر و یا به

جهان برون‌متنی ممکن است به‌کارگرفته شوند؛ یا برای شرح و تصحیح متن موجود و یا تأکید و تخفیف و یا حذف تعهد

سخنگو به گفته به‌کار روند. در موارد ذیل گزیده به‌منظور توضیحی بر پایه‌اش در مثال (۳۸)، ایجاد یک منظر بزرگتر برای گفته

در مثال (۳۹) و ارتباط گفته به کلام قبلی در مثال (۴۰) به‌کار رفته است.

(۳۸) این پیام ایشان .. که ما از تحریم کردن دست بر نمی‌داریم .. نشانگر پایبندنبودنشان به معاهدات طرفین است.

(۳۹) چگونه یک فرد .. مسلمان یا غیر مسلمان .. می‌تواند کاری به این قیاحت انجام دهد.

(۴۰) ممنوعیت آوردن گوشی همراه به مدرسه، که هفته گذشته درموردش صحبت شده بود، از این هفته باید اجرا شود.

با تمرکز بر مؤلفه تعامل سخنگو-مخاطب، سخنگو از جهان متن به جهان تعامل ارتباطی حرکت می‌کند تا بلکه بتواند یک

رابطه اجتماعی را ایجاد یا حفظ کند و یا تغییر دهد و یا اینکه جریان تعامل را در دست گیرد. بهره‌گیری از این مؤلفه به‌سبب

توجه به بینادهنیت، یعنی تعامل با فرد مقابل و درک نیازهای وی توسط سخنگوست. مثال‌هایی از آن در ذیل آمده است.

(۴۱) به بابک اینا هم .. اگه ناراحت نمی‌شین .. بگیم بیان.

(۴۲) من فکرمی‌کنم این جنس‌هارو .. که البته بعداً می‌تونیم رو قیمتش بیشتر باهم بحث کنیم .. اول باید ردشون کنیم.

در مثال زیر (به نقل از عموزاده و نورا، ۱۳۹۳) تظاهر بینادهنیت در کاربرد عبارت یعنی به‌گونه‌ای است که قبول نظر

سخنگو منوط به پذیرش همبازی اوست و اجازه رد آن فرض به مخاطب داده شده است.

(۴۳) یعنی من گرگ بدجنس هستم.

1. D. Blakemore

2. S. Schneider

با برجسته کردن مؤلفه بیان نظر سخنگو، فرد به سمت جهان معرفتی و یا وضعیت احساسی خود حرکت می‌کند. وی با این کار یا عقاید و احساسات خود را بیان می‌دارد و یا به ارائه ارزیابی و استنباط از مطلب می‌پردازد. این مورد که بیشتر از مسیر بندهای حاوی نظر صورت می‌پذیرد، ظهور ذهنیت سخنگو در کلام است.

(۴۴) آقای احمدی، فکرکنم .. تصمیم اشتباهی که گرفتند رو اجرا کرده باشن.

مؤلفه بعد یعنی بیان منبع اطلاعاتی، بیانگر منبعی است که گفته از آنجا نقل می‌شود.

(۴۵) امتحان‌هاز .. مدیر می‌گفت .. باید توی خود مدرسه تصحیح کنیم.

مؤلفه دانش در مورد جهان خارج بیشتر عامل خلق از پیش‌انگاری برای رسیدن به یک نتیجه است.

(۴۶) مهرداد می‌گفت ... یعنی معمولاً هرکی پول‌دار بشه چنین وقتایی این‌طور می‌گه، می‌گفت که من نشناختمت. کجا

وایساده بودی؟

(۴۷) علی ظاهراً ناراحت شده بود ... تو مهمانی ندیدیمش.

مؤلفه آخر یعنی مؤلفه صحنه‌پردازی یا ساحت کلام همان توصیف بافت فرازبانی است که در آن گفته شکل می‌گیرد و اغلب مبین محیط انسانی و فیزیکی کلام است که نشان می‌دهد چه موقع، کجا، چگونه، توسط چه کسی و به چه کسی گفته بیان شده است.

(۴۸) زهرا عمو اینا، این‌قدر اینارو نکش پاره می‌شن .. گفتن دارن میان اینجا.

در این قسمت قابل ذکر است که معمولاً یک گزیده مؤلفه‌های متفاوتی را می‌تابد مثلاً در جمله (۴۹) گزیده به بیان نظر

سخنگو یعنی ذهنیت، به روشن‌سازی رابطه وی با مخاطب یعنی بیناذهنیت و همچنین به سازمان‌دهی گفته اشاره می‌کند.

(۴۹) باید توجه کنید که فرزند شما ... البته این صحبت مرا نوعی اهانت تلقی نکنید ... فرزند شما کمی لوس بار آمده‌اند.

به‌جز انگیزه پاسخ به نیازهای آنی موقعیت کلام در خلق عضوگیری، مقرون‌به‌صرفه بودن استفاده از عناصر گزیده آنی، ساخت‌مند و قالبی برای پردازش ذهنی آسان‌تر قابل توجه است. بهره‌گیری از گزیده‌های آنی از آنجا مقرون‌به‌صرفه می‌نماید که سود ارتباطی استفاده از آنها در رفع نیازهای آنی کلام، بیش از هزینه پردازش ذهنی در غلبه بر تعلیق موقتی جریان خطی دستور جمله است. از طرفی هزینه پردازش ذهنی برای درج یک واحد معترضه در بیان پاره‌ای از اطلاعات در بسیاری از موارد کمتر از هزینه مورد نیاز برای بسته‌بندی آن اطلاعات توسط دستور جمله است، چون انتخاب گزیده آخر نیاز به برنامه‌ریزی زیادتر و پیچیده‌شدن نحو کلام دارد (نک. توضیح مثال ۵۰).

مقرون‌به‌صرفه بودن گزیده‌های قالبی و ساخت‌مند به دلیل ثبات کامل و یا نسبی ساختارشان است که نیاز به چینش برخط آنها در زمان گفتار را رفع می‌کند و این امر خود کاهنده هزینه پردازش ذهنی سخنگو و مخاطب است. این عامل خود را در گفتار بیشتر از نوشتار نشان می‌دهد، چون استفاده از این عناصر ثابت ذخیره‌شده در ذهن - مانند پرکننده‌های کلامی مثل باید بگم، / و آره ... - زمان کافی برای برنامه‌ریزی گزاره دستور جمله را به سخنگو می‌بخشد. از طرف دیگر، قابلیت بازیابی و استفاده سریع از این عناصر، که به صورت یک کل در ذهن ذخیره شده‌اند، امکان پاسخ فوری به موقعیت کلام دم‌دست را به سخنگو می‌بخشد.

انگیزه‌های رقیبی چون اقتصاد و تصویرگونگی توجیه دیگری بر بهره‌گیری از عناصر دستور معترضه، به خصوص در گفتار، است. انگیزه اقتصاد بیانگر این مطلب است که عبارات زبانی باید تا حد امکان کم شوند (کرافت^۱، ۲۰۰۳: ۱۰۲). بهره‌گیری از دستور جمله، برای بیان چند تجربه همزمان در یک موقعیت گفتمان، گاهی ناممکن است و یا باعث اطاله کلام و پیچیدگی نحوی آن خواهد شد، اما بهره‌گیری از عناصر معترضه در کنار دستور جمله، آن هم با شکل کوتاه‌شده یا محذوفشان، و در یک

گفته، سبب می‌شود تا تعداد گفته‌ها زیاد نشود و بیان چندین مفهوم و نقش کلامی همزمان ممکن شود. لذا این بهره‌گیری موازی اقتصادی‌تر از بهره‌بردن صرف از دستور جمله خواهد بود. مثلاً مثال (۲) را که یک عبارت است اگر بخواهیم تنها در دستور جمله بیان کنیم، باید در سه جمله مانند ذیل بیاوریم:

(۵۰) یک مشت از این محصل‌نماها صبح آمده بودند. آنها می‌گفتند برای احقاق حقوقشان آمده‌اند. آنها بیشترشان یک

مشت اراذل بودند.

همچنین پیروی از همین انگیزه اقتصاد سبب می‌شود تا به‌جای تکیه‌داشتن بر یک جهان، یعنی جهان رمزگذاری اطلاعات گزاره‌ای در متن توسط دستور جمله، بتوان با بهره‌گیری از عناصر معترضه که بر کل موقعیت کلام سیطره دارند، جهان‌های متنوعی از قبیل جهان سخنگو، تعامل با مخاطب، متن و بافت کلام را به‌شکلی فشرده و مقرون‌به‌صرفه در یک گفته ارائه داد. انگیزه رقیب بعدی، یعنی انگیزه تصویرگونگی کلام مبین آن است که ساختار زبان بازتابنده ساختار تجربه انسانی باشد. هر اندازه که این دو ساختار با یکدیگر متناظر باشند، تصویرگونگی بیشتر رعایت شده است (کرافت، ۲۰۰۳: ۱۰۲) دستور جمله تا وقتی که بیانگر اهدافی مثل نقل داستان و گزارش و یا بیان یک مطلب بدون همراهی طیفی پررنگ از ذهنیت و بینادهنیت باشد، تصویری از آن وقایع است، به‌خصوص وقتی که وقایع مربوط به رویدادهای گذشته باشند. اما زمانی که موقعیت کلام حاضر نیازمند واکنش‌های آنی کلامی باشد، یا اینکه فرد نیاز به بیان نظر خود داشته باشد و یا بخواهد در تعامل اجتماعی رعایت مخاطب را بکند، جدانشدن از دستور جمله تصویرگونگی ارتباط را از میان می‌برد. لذا فرد با توسل به عناصر دستور معترضه، چون گزیده‌های حاصل از عضوگیری، می‌تواند این تصویرگونگی تجارب جهان خارج در کلام را حفظ کند. مثلاً در موقعیت حاکم بر گفته (۵۱)، سخنگو با مشاهده وضعیت نامناسب مخاطب، با بهره‌گیری از گزیده قالبی چرا نمی‌نشینین و ویژگی سیال‌گونگی آن، مبنی بر توانایی آمدن در میانه کلام، به مخاطب پیشنهاد نشستن و ادامه بحث را می‌دهد و سخنش را تا آخر ادامه نمی‌دهد. درحالی‌که عدم استفاده آنی از معترضه و بیان آن عبارت در پایان گفته و یا به‌صورت سازه دستور جمله می‌تواند معنی را به‌گونه‌ای عوض کند که معرف تمایل سخنگو در پایان‌بخشیدن به سخن و درخواست ضمنی وی از مخاطب برای ترک مکان باشد.

(۵۱) الف. بله! آقای سلیمی! تحقیقتان ... چرا نمی‌نشینین؟.. تحقیقتان باید تا پایان ترم جاری طبق برنامه ارائه شده به

بنده تحویل داده بشه.

ب. بله! آقای سلیمی! تحقیقتان باید تا پایان ترم جاری طبق برنامه ارائه شده به بنده تحویل داده بشه. چرا نمی‌نشینین؟ به‌عنوان نمونه‌ای از سایر انگیزه‌های بهره‌گیری از عضوگیری، استفاده از خاصیت جای‌گیری آزاد گزیده‌ها در کلام به‌منظور رعایت وزن کلام و قافیه در نظم و در کل ویژگی زیباشناختی سخن است. در بیت زیر عبارت معترضه مشخص شده اگر در پایان یا ابتدای کلام می‌آید، نظم سخن درمی‌ماند.

(۵۲) هر روز بر آنم که کنم شب توبه وز جام پیاپی لبالب توبه

واکنون که شکفت برگ گل برگم نیست در موسم گل ز توبه، یارب، توبه

اگرچه انگیزه‌های ذکرشده توسط محققان قبلی و محققان این پژوهش موتورهای شتاب‌دهنده‌ای در راستای رخداد فرایند عضوگیری است، لیکن باید اقرار کرد که این انگیزه‌ها تنها پاره‌ای از انگیزه‌های شکل‌گیری این فرایند و استفاده از عناصر گزیده در کلام است.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در راستای بررسی و تحلیل پدیده عضوگیری در دستور کلام و مشخصات عناصر گزیده انجام گرفت و عمدتاً در راستای پاسخ به دو سوال بنیادین گام برداشت: الف. چه ویژگی‌هایی را برای عناصر گزیده - و در کل عناصر معترضه - از منظر تشکیل و ساخت، کاربردها و پیوند این عناصر با میزبان خود در زبان فارسی می‌توان متصور شد؟ برای پاسخ مشخص شد گزیده‌ها عناصر معترضه محصول فرایند عضوگیری هستند که در آن فرایند به صورت یک واحد متنی از حوزه دستور جمله به حوزه دستور معترضه منتقل شده‌اند تا نقش‌های کلامی متنوعی را در رابطه با مؤلفه‌های موقعیت کلام ایفا کنند. با تجزیه و تحلیل نمونه‌هایی از زبان فارسی مشخص شد که گزیده‌ها از نظر آوا، نحو و معنی اغلب مستقل‌اند و لذا جزو عناصر معترضه به حساب می‌آیند. همچنین گزیده‌ها می‌توانند به شکل عناصر آنی، ساخت‌مند و یا قالبی دسته‌بندی شوند و در قالب واحدهای دستور جمله از کلمه تا بند و یا حتی تکه‌های متنی بدون شباهت به واحدهای دستور جمله و اغلب با شکل محذوف ظاهر شوند. همچنین پیچیدگی آنها می‌تواند کم یا زیاد باشد. مطلب دیگر اینکه معنی گزیده می‌تواند مربوط به میزبان خود و یا تاحدی بی‌ارتباط به آن و مربوط به بافت باشد. نتیجه آنکه تا وقتی مخاطب بتواند یک ارتباط منطقی بین گزیده و گفته میزبان و یا بافت خود برقرار کند، محدودیتی بر شکل ساختی که گزیده می‌تواند بپذیرد وجود ندارد. با این حال، سؤالاتی در مورد تفاوت‌های به‌کارگیری گزیده‌ها در سبک نوشتار و گفتار و اینکه چگونه گزیده‌ها با جای‌گیری‌های متفاوت، به مدیریت ساختار اطلاعاتی جمله می‌پردازند وجود دارد.

دومین سؤالی که پژوهش در جستجوی پاسخ به آن بود، شناخت و تبیین هزینه‌ها و انگیزه‌های ممکن برای بهره‌گیری از فرایند عضوگیری در خلق معترضه‌ها بود. در این راستا مشخص شد که اقدام به عضوگیری و درج گزیده‌ها سبب هزینه‌هایی چون اعمال بار ذهنی بر حافظه سخنگو و مخاطب در امر یافتن پایه مناسب برای گزیده‌ها و همچنین دنبال کردن کلام برای پیوند ذهنی اجزای جداشده دستور جمله می‌شود، اما به‌رغم این هزینه‌ها، فواید برگرفته از نقش‌های ایفاشده به‌واسطه عناصر گزیده در ایفای مؤلفه‌های موقعیت کلام آن قدر زیاد است که سبب می‌شود فرایند عضوگیری با انگیزه‌های مختلفی در زبان گفتار و نوشتار صورت گیرد.

همچنین مشاهده شد که سخنگو برای موفقیت در ارتباط کلامی خود و براساس نوع آن ارتباط - نوشتاری یا گفتاری - از امکاناتی که دستور جمله و دستور معترضه در اختیارش قرار می‌دهد استفاده می‌کند. دیدیم که استفاده از دستور جمله به‌پیروی از قواعد خطی نحو زبان، ابزاری برای ارائه جهان اطلاعات مفهومی-گزاره‌ای کلام در اختیار سخنگو می‌گذارد؛ درحالی‌که استفاده از عناصر دستور معترضه چون گزیده‌های حاصل از فرایند عضوگیری، برای توصیف جهان‌های مختلفی، از جمله نظر سخنگو یعنی ذهنیت وی، تعامل وی با مخاطب یعنی بینادذهنیت و پاسخ به نیازهای آنی موقعیت کلام، صورت می‌پذیرد. نتیجه آنکه پردازش ذهنی آسان عناصر معترضه در کنار توجیه‌پذیری استفاده از این عناصر از منظر انگیزه‌های اقتصاد و تصویرگونگی، باعث فراوانی استفاده از این عناصر و فرایند عضوگیری به‌خصوص در گونه گفتاری کلام است و سبب می‌شود تا انعطاف لازم در پاسخ به نیازهای آنی موقعیت کلام به دستور بخشیده شود.

در کل می‌توان گفت که نه تنها دستور کلام در تحلیل عناصر معترضه گزیده زبان فارسی قابلیت کاربرد دارد، بلکه بررسی دقیق نمونه‌های فارسی نقاب از برخی مفاهیم نه‌چندان روشن این رویکرد برمی‌دارد. همچنین مطالعه انگیزه‌های شناختی و کاربردشناختی زبان توجیه‌گر بهره‌گیری از فرایند عضوگیری در زبان است. با این حال، هنوز ابعاد مختلف پدیده عضوگیری در نظریه دستور کلام روشن نیست که زمینه را برای مطالعات بعدی باز نگه می‌دارد.

منابع

- آزموده، حسن، محمد عموزاده و والی رضایی (۱۳۹۶). «بررسی جابجایی بند موصولی در زبان فارسی امروز براساس دستور کلام». *زبان پژوهی*. دوره ۹، ش ۲۴، ۸۵-۵۹.
- آزموده، حسن، محمد عموزاده، والی رضایی و اسفندیار طاهری (۱۳۹۶). «سیر تکوینی بند موصولی تحدیدی در زبان فارسی». *مجله دستور*. ج ۱۲، ۲۱۵-۱۹۳.
- آزموده، حسن و محمد عموزاده (۱۳۹۶). «فرایند عضوگیری و بند موصولی در زبان فارسی». *جستارهای زبانی*. دوره ۸، ش ۴ (۳۹)، ۲۶۳-۲۳۹.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۷۸). *دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات فاطمی.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۶۶). *دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات اساطیر.
- عموزاده، محمد و حسن آزموده (۱۳۹۳). «جنبه‌های دستور معترضه براساس نمونه‌هایی از زبان فارسی». *نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. س ۴، ش ۷، ۶۷-۴۵.
- عموزاده، محمد و اعظم نورا (۱۳۹۳). «دستوری‌شدگی عبارت یعنی ازمنظر دستور گفتمان». *پژوهش‌های زبانی*. س ۵، ش ۱، ۹۴-۷۵.
- Berman, S. M., M. A. Mandelkern, H. Phan, & E. Zaidel (2003). „Complementary hemispheric specialization for word and accent detection”. *NeuroImage*. 19, 319-31.
- Blakemore, D. (2005). “And-parenteticals”. *Journal of Pragmatics*. 37, 1165-81.
- Bolinger, D. (1989). *Intonation and its Uses: Melody in Grammar and Discourse*. London: Edward Arnold.
- Clark, H. (1996). *Using Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Clark, H., F. Tree, & E. Jean (2002). “Using *uh* and *um* in spontaneous speaking”. *Cognition*. 84, 73–111.
- Croft, W. (2003). (2nd edn). *Typology and Universals*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dehé, N., & Y. Kavalova (eds.) (2007). *Parentheticals*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins.
- Devinsky, O. (2000). “Right cerebral hemisphere dominance for a sense of corporeal and emotional self”. *Epilepsy and Behavior*. 1 (1), 60-73.
- Dik, S. C. (1997). *The Theory of Functional Grammar (Part 2: Complex and Derived Constructions)*. Berlin & New York: Mouton de Gruyter.
- Dixon, R. M. W. (2005). *A Semantic Approach to English Grammar*. Oxford: Oxford University Press.
- Du Bois J. W. (1985). “Competing motivations”. *Iconicity in Syntax. Proceedings of a symposium on iconicity in syntax*. J. Haiman (ed.), Amsterdam and Philadelphia: Benjamins, 343–65.
- Espinal, M. (1991). “The representation of disjunct constituents”. *Language*. 67, 726–62.
- Haiman, J. (1983). “Iconic and economic motivation”. *Language*. 59, 781–819.
- Heine, B. (2013). “On discourse markers: Grammaticalization, pragmaticalization, or something else?”. *Linguistics*. 51 (6), 1205-47.
- Heine, B., G. Kaltenböck, T. Kuteva, & H. Long (2017). „Cooptation as a discourse strategy”. *Linguistics: An Interdisciplinary Journal of the Language Sciences*. 55 (4), 813-856.
- Heine, B., G. Kaltenböck, T. Kuteva, & H. Long (2013). “An outline of Discourse Grammar”. *Reflections on functionalism in linguistics*. S. Bischoff & C. Jeny (eds.), Berlin & Boston: Mouton De Gruyter, 175-233.
- Hilpert, M. (2013). *Constructional Change in English: Developments in Allomorphy, Word-Formation, and Syntax*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Kaltenböck, G. (2007). "Spoken parenthetical clauses in English". *Parentheticals*. N. Dehé and Y. Kavalova (eds.), Amsterdam and Philadelphia: Benjamins, 25-52.
- Kaltenböck, G., B. Heine, & T. Kuteva (2011). "On thetical grammar". *Studies in Language*. 35(4), 848–893.
- Kaltenböck, G., & B. Heine (2014). "Sentence grammar vs. thetical grammar: two competing domains". *Competing motivations in grammar and usage*. B. MacWhinney, A. Malchukov, and E. Moravcsik (eds.), Oxford: Oxford University Press, 348-63.
- Mazeland, H. (2007). "Parenthetical sequences". *Journal of Pragmatics*. 39, 1816–69.
- Mithun, M. (2008). "The extension of dependency beyond the sentence". *Language*. 84 (1), 69–119.
- Schneider, S. (2007). *Reduced Parenthetical Clauses as Mitigators: A Corpus Study of Spoken French, Italian and Spanish*. Amsterdam and Philadelphia: Benjamins.
- Sherratt, S., & K. Bryan (2012). "Discourse production after right brain damage: Gaining a comprehensive picture using a multi-level processing model". *Journal of Neurolinguistics*. 25, 213-39.
- Traugott, E., & G. Trousdale (2013). *Constructionalization and Constructional Changes*. Oxford: Oxford University Press.